

مقایسه ارتباط با خانواده همسر در زنان و مردان متأهل ایرانی*

Comparison of Relationship with In-laws in Iranian Married Women and Men

M. Cheraghi, Ph.D.

M. A. Mazaheri, Ph.D.

F. Mootabi, Ph.D.

L. Panaghi, Ph.D.

M. S. Sadeghi, Ph.D.

دکتر مونا چراغی

گروه روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

دکتر محمدعلی مظاهری

استاد گروه روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

دکتر فرشته موتابی

استادیار پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

دکتر لیلی پناغی

دانشیار پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

دکتر منصوره‌السادات صادقی

استادیار پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

دریافت مقاله: ۹۳/۷/۱۴

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۳/۱۰/۹

پذیرش مقاله: ۹۳/۱۰/۱۴

Abstract

The purpose of the present study was to compare women and men in relationship with in-laws. There fore a questionnaire was developed and administered to 735 married people (385 women, 350 men). Participants were selected through accessible sampling method from six populated cities of Iran. Results showed significant difference between men and women in estimation of in-laws role and proportion in marital

چکیده

پژوهش حاضر با هدف مقایسه ارتباط با خانواده همسر در زنان و مردان انجام گردید. بدین منظور یک پرسشنامه اولیه طراحی و بر روی یک نمونه ۷۳۵ نفری (۳۸۵ زن و ۳۵۰ مرد) که به شکل نمونه‌گیری در دسترس از شش شهر بزرگ ایران انتخاب شده بودند اجرا شد. تحلیل داده‌ها نشان داد که بین زنان و مردان در ابعاد مختلف رابطه با خانواده همسر تفاوت‌های معناداری موجود است.

* این پژوهش با حمایت مالی قطب علمی خانواده دانشگاه شهید بهشتی (قرارداد شماره ۶۰۰/۱۹۳۹) انجام شده است.

نویسنده مسئول: تهران، ولنجک، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، گروه روان‌شناسی
پست‌الکترونیکی: m-mazaheri@sbu.ac.ir

Corresponding author: Dept. of Psychology, Shahid Beheshti University, Velenjak, Tehran.
Email: m-mazaheri@sbu.ac.ir

conflicts ($U= 5.832, P<.001$), offending in-laws during the marital conflicts ($U=5.851, P<.001$), informing in-laws about marital conflicts ($\chi^2= 18.256, P<.003$) and amount of visits and phone calls with them.

Women's relationship with their in-laws were worse than men's ($U= 5.71, P<.001$) and they reported less satisfaction in comparison with men ($t=-5.46, P<.001$). Women believed more than men that their in-laws have irrational expectations of them ($\chi^2=5.04, P<.002$). In comparison with men, women felt unhappier about the presence of their in-laws were at their life ($U=6.009, P<.003$), and reported more conflicts with them. Women and men reported different ways of conflict resolution with in-laws.

In case of conflict with in-laws, women preferred to show no reaction, decrease the number of visits and ask their husbands to act as an intermediary. Men stated that in case of conflict with in-laws they would prefer to neglect it or discuss about it with in-laws directly. But women and men had more desirable relationship with their mother and sister in-laws. Besides, in both genders it was more probable to have undesirable relationship with mother and sister or brother in-laws from the opposite sex of their spouse. Father in-laws were the last one whom participants had desirable or undesirable relationships with. Lastly women had worse relationship with their in-laws than men that can be explained from psychological, sociological and cultural points of view. Considering the role of relationship with in-laws in success or failure of marriage in Iran it is necessary to develop therapeutic or preventive interventions with consideration of gender and culture.

Keywords: Relationship with In-Laws, Iranian Family, Marital Adjustment, Sexual Difference.

بین زنان و مردان در برآورد سهم خانواده همسر در تعارضات زناشویی ($Z=2/03, P<.001$)، میزان توهین به خانواده همسر در جریان مشاجره با همسر ($Z=1/70, P<.006$) و اطلاع‌رسانی به خانواده همسر درباره اختلافات زناشویی ($\chi^2=18/256, P<.003$) تفاوت معناداری مشاهده شد. زنان نسبت به مردان رابطه خود را با خانواده همسر بی-ثبات‌تر ($\chi^2=21/927, P<.001$) و کیفیت آن را پایین‌تر ($Z=1/76, P<.004$) و رضایت کمتری نسبت به آن گزارش کردند ($t=-5/46, P<.001$). زنان بیش از مردان اعتقاد داشتند که خانواده همسرشان از آن‌ها انتظارات غیرمعقول دارند ($\chi^2=5/04, P<.002$) و در حوزه‌های بیشتری با آنها تعارض پیدا می‌کردند. در مورد شیوه‌های حل تعارض با خانواده همسر، روش‌های مورد ترجیح در هر دو جنس، نشان ندادن واکنش علی‌رغم ناراحتی بود. اما زنان بیشتر از مردان شیوه‌های کاهش تماس و رفت و آمد، درخواست مداخله از همسر و عدم ابراز واکنش را مورد استفاده قرار می‌دادند. در حالی که مردان از روش‌های نادیده گرفتن تعارض و یا گفتگوی مستقیم بیشتر از زنان استفاده می‌کردند. نتایج این پژوهش نشان داد که در هر دو جنس، افراد با مادر و خواهر همسر خود بیشتر رابطه مطلوب برقرار می‌کنند. همچنین در هر دو جنس، بیشترین احتمال برقراری رابطه نامطلوب با مادر همسر و پس از آن همشیر غیرهمجنس با همسر وجود داشت. پدر همسر پایین‌ترین رتبه را در برقراری رابطه مطلوب یا نامطلوب دارا بود. جمع‌بندی نتایج تحقیق نشان می‌دهد که زنان روابط نامطلوب‌تری را به نسبت مردان با خانواده همسرشان تجربه می‌کنند. محققان این یافته را از جنبه‌های روانشناختی، جامعه-شناختی و فرهنگی مورد بحث قرار داده‌اند و تاکید داشته‌اند که با توجه به نقش مهم کیفیت رابطه با خانواده همسر در موفقیت یا شکست ازدواج زوجین ایرانی، نیاز به طراحی مداخلات خاص درمانی یا پیشگیرانه و حساس به جنسیت و فرهنگ در این حوزه کاملاً محسوس است.

کلیدواژه‌ها: ارتباط با خانواده همسر، سازگاری زناشویی، تفاوت‌های جنسیتی.

بررسی رابطه بین معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج و رضایت زناشویی در زنان و مردان متأهل دانشجوی در تهران

Premarital Heterosexual Relationships and its Association with Marital Satisfaction among Married College Students in Tehran

F. Khalajabadi Farahani, Ph.D.

✉ دکتر فریده خلیج آبادی فراهانی

استادیار مؤسسه ملی تحقیقات جمعیتی

A. Zadehmohammadi, Ph.D.

دکتر علی زاده محمدی

دانشیار پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

دریافت مقاله: ۹۱/۹/۱۸

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۳/۱۱/۱۱

پذیرش مقاله: ۹۳/۱۱/۱۲

Abstract

Despite increasing trends towards premarital heterosexual relationships among youth and marital dissatisfaction among couples, few studies have examined the association between these two phenomena. This paper aims to assess the relationship between experience or premarital heterosexual relationships (both friendship & sexual) with marital satisfaction. This paper is based on the survey data of a mix method study conducted in 2011-2012.

✉Corresponding author: National Population Studies and Comprehensive Management Institute. Address: No. 3, Fifth st., Miremad st., Motehahari Ave., Tehran, Iran
Email: Faridehfarahani2@gmail.com

چکیده

علی‌رغم روند رو به افزایش معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج در بین جوانان و هم‌چنین نارضایتی‌های زناشویی در زوجها در ایران، مطالعات بسیار اندکی به بررسی رابطه بین این دو پدیده پرداخته‌اند. این مقاله با هدف بررسی رابطه بین تجربه معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج اعم از رابطه دوستی و رابطه پیشرونده (منظور رابطه جنسی) و رضایت زناشویی تهیه شده است. این مقاله بر اساس داده‌های بخش کمی یک مطالعه ترکیبی تهیه شده است که در سال ۱۳۸۹-۱۳۹۰ انجام شد.

✉نویسنده مسئول: تهران، خیابان مطهری، خ میرعماد، کوچه پنجم، پلاک ۳، مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور

پست الکترونیکی: Faridehfarahani2@gmail.com

In this paper, 299 married college students, both males and females aged 18-40 were recruited using stratified cluster sampling from all educational levels of 7 selected universities, both private and government universities. A valid and reliable self-administered anonymous questionnaire was employed and piloted. Results of path analysis indicated that the greatest coefficient of impact on marital satisfaction is associated with knowing personality of spouse at the stage of marriage ($B=0.435$, $P<0.001$), and then the experience of multiple heterosexual relationships before marriage is another factor which had the highest negative effect on marital satisfaction ($B=-0.282$, $p<0.05$). Moreover, having multiple heterosexual relationships before marriage have an indirect effect on marital satisfaction via religious inconsistency with spouse ($B=-0.269*0.182*0.435=-0.02$). Hence, having multiple relationships before marriage which are not intended for marriage, can determine lower marital satisfaction. In contrast, knowledge about characteristics of spouse at marriage is a positive factor in marital satisfaction. Further large scale studies are required to confirm these results. These results can be used in amending misperceptions among youth in this regard.

Keywords: Premarital Heterosexual, Marital Satisfaction, Married College Students.

در این مقاله، ۲۹۹ دانشجوی زن و مرد متأهل سنین ۱۸ تا ۴۰ ساله که به روش دو نمونه‌گیری مرحله‌ای سهمیه‌ای و خوشه‌ای در همه مقاطع تحصیلی از ۷ دانشگاه منتخب در تهران اعم از دولتی و آزاد انتخاب شدند، بررسی شدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسش‌نامه خودایفایی بدون نام بود که اعتبار و روایی آن بررسی شد و پایلوت گردید.

نتایج تحلیل مسیر نشان داد که بیشترین ضریب تأثیر روی رضایت زناشویی مربوط به میزان شناخت از همسر در بدو ازدواج می‌باشد ($P<0.001$ ، $B=0.435$) و پس از آن تجربه معاشرت‌های متعدد با جنس مخالف قبل از ازدواج است که بیشترین ضریب تأثیر منفی را بر رضایت زناشویی دارد ($P<0.05$ ، $B=-0.282$).

هم‌چنین تجربه معاشرت‌های متعدد به طور غیرمستقیم از طریق ناسازگاری مذهبی با همسر بر کاهش رضایت زناشویی تأثیر می‌گذارد (-0.02 ، $B=-0.269*0.182*0.435=-0.02$). لذا تعدد رابطه‌های قبل از ازدواج با جنس مخالف که معمولاً با انگیزه‌هایی غیر از ازدواج می‌باشند، می‌تواند تعیین‌کننده رضایت کمتر زناشویی پس از ازدواج باشد. برعکس شناخت بیشتر از خصوصیات همسر، به عنوان عامل مثبت در رضایت زناشویی می‌باشد. مطالعات بیشتر با حجم نمونه بالاتر می‌تواند به تأیید نتایج فوق کمک کند. نتایج فوق می‌تواند در اصلاح بسیاری از باورهای نادرست در بین جوانان به کار آید.

کلیدواژه‌ها: رابطه قبل از ازدواج، رضایت زناشویی، دانشجویان متأهل.

قاعده «لزوم معاشرت به معروف» در روابط زن و شوهر

The Jurisprudential Rule of Necessity of Behaving Reasonably in Marital Relationship

R. Nobahar, Ph.D.

دکتر رحیم نوبهار

استادیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

S.O. Hoseini, Ph.D. Candidate

سیده ام‌البنین حسینی

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تربیت مدرس

دریافت مقاله: ۹۳/۳/۲۹

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۳/۱۰/۱۶

پذیرش مقاله: ۹۳/۱۰/۷

Abstract

This article analyzes a lesser-known rule in the Islamic jurisprudence entitled “The necessity of behaving reasonably in marital relationship”. According to the rule, the mutual legal relationship between wife and husband must be based on the current rational custom of Islamic society. In other words, in addition to what holy Qur’an says, the manner of the Prophet Mohammad, and infallible Imams, new rational customs can and must play decisive role in determining the framework of Islamic family law, as far as -

چکیده

این مقاله به واکاوی قاعده کمتر شناخته شده «لزوم معاشرت به معروف در روابط زن و شوهر» می‌پردازد. به موجب این قاعده، رفتار متقابل زن و شوهر باید هماهنگ با عرف روزآمد جامعه مسلمانان باشد. این به معنای آن است که افزون بر آموزه‌های دینی مستفاد از کتاب و سنت، آن دسته از عرف‌های عقلانی که در متون دینی صریحاً یا ضمناً از آنها نهی نشده باشد، می‌تواند و باید هماهنگ با آموزه‌های دینی نقش تعیین‌کننده‌ای در ترسیم نظام حقوق خانواده ایفا نماید؛ حتی اگر این عرف‌ها نوپیدا باشند.

Corresponding author: Faculty of law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.
Email: r-nobahar@sbu.ac.ir

نویسنده مسئول: تهران، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق
پست الکترونیکی: r-nobahar@sbu.ac.ir

they have not been rejected explicitly or implicitly in Islamic teachings.

In this way the examples of customary and reasonable behavior may vary from time to time, place to place and from one culture and civilization to another.

Due to the generality of the evidence supporting the rule from the Holy Qur'an, narrations (ahadith) and jurists' reliance upon the ruling in different cases, the article tries to strengthen and develop the rule and shed light on its implementation in areas like management of the family, sexual relationship, financial issues, residency and decision about reproduction.

Keywords: Islamic Family Law, Reciprocal Rights and Obligations of Wife and Husband, Common Sense, Reasonableness.

بدین‌سان «معروف» مفهومی عرفی است که مصادیق آن بر حسب زمان و مکان و نیز درجه تمدن و فرهنگ جامعه اسلامی که زوجین در آن زندگی می‌کنند، می‌تواند متفاوت باشد.

مقاله به روش تحلیلی و با استناد به قرآن مجید، سنت پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) و موارد استناد فقیهان به لزوم معاشرت به معروف، برای توسعه آن به یک قاعده فقهی الزامی استدلال نموده و با توجه به عموم ادله نشان داده است که قاعده می‌تواند در همه قلمروهای روابط خانوادگی از جمله: مدیریت خانواده، روابط زناشویی زوجین، چند و چون نفقه، سکنای زوجین و تصمیم درباره کم و کیف فرزندآوری مورد توجه قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: فقه خانواده، حقوق و تکالیف متقابل زوجین، عرف، معروف.

بررسی رابطه بین ترس از صمیمیت و سبک‌های هویتی با تعهد زناشویی افراد متأهل

Examination of The Relationship Between Fear of Intimacy and Identity Styles and Marital Commitment of Married Couples

H. Heidari, M. A.

N. Karimian, Ph.D. Student

S. Salari, M. A.

حسین حیدری

فوق لیسانس مشاوره خانواده دانشگاه هرمزگان

✉ نادر کریمیان

دانشجوی دکتری مشاوره خانواده، پژوهشکده آموزش و پرورش کردستان

سمانه سالاری

فوق لیسانس مشاوره خانواده دانشگاه هرمزگان

دریافت مقاله: ۹۲/۶/۳

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۳/۱۱/۱۱

پذیرش مقاله: ۹۳/۱۱/۱۲

Abstract

Introduction: given the importance of marital commitment in stability and health of family system, the aim of this study was to investigate the relationship between fear of intimacy and identity styles with marital commitment of married couples. **Materials and Methods:** The present study is a descriptive and correlation research. The population was the married staff of the University of Hormozgan in academic year of 1391-92 (lunar calendar), that -

چکیده

با توجه به اهمیت تعهد زناشویی در سلامت و پایداری نظام خانوادگی، مطالعه حاضر با هدف بررسی رابطه بین ترس از صمیمیت و سبک‌های هویتی با تعهد زناشویی افراد متأهل انجام گرفت. پژوهش حاضر تحقیقی توصیفی از نوع مطالعات همبستگی می‌باشد. جامعه آماری شامل کلیه کارمندان متأهل دانشگاه هرمزگان در سال تحصیلی ۹۲-۹۱ بود که از بین آن‌ها ۱۱۹ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند.

✉Corresponding author: Institute of education research, Kurdistan, Iran
Email: naderk65@yahoo.com

✉نویسنده مسئول: سنج، سهراب شالمان، پژوهشکده آموزش و پرورش کردستان
پست الکترونیکی: naderk65@yahoo.com

119 people of them were selected by available sampling. Data was collected using fear of intimacy inventory (Carol Descanter and Mark Telen, 1991), identity models (Berenski, 1990) and marital commitment questionnaires of Adams and Jones (2003). Data were analyzed based on Pierson correlation and concurrent regression models by SPSS 21.

Results: The results of the regression analysis demonstrated a negative correlation between fear of intimacy and marital commitment.

It was found that variables of informational and vague identity can affect marital commitments. **Conclusion:** It is expected that people with no fear of intimacy and more affective identity styles, show deeper marital commitment. Suggestions for educational and therapeutic programs are made to help people to achieve more successful identity style and modify their opinion about intimacy.

Keywords: Fear of Intimacy, Identity Styles, Marital Commitment.

داده‌ها با استفاده از پرسش‌نامه‌های ترس از صمیمیت کارل دسکاتنر و مارک تلن (۱۹۹۱)، سبک‌های هویتی برزونسکی (۱۹۹۰) و تعهد زناشویی آدامز و جونز (۲۰۰۳) گردآوری گردید. داده‌های پژوهش با روش‌های همبستگی پیرسون و رگرسیون همزمان در نرم افزار SPSS21 تحلیل گردید. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که بین ترس از صمیمیت و تعهد زناشویی همبستگی منفی وجود دارد. و متغیرهای تعهد اطلاعاتی و تعهد سردرگم - اجتنابی می‌توانند تبیین‌کننده تعهد زناشویی در افراد باشند. هر چه افراد دارای ترس از صمیمیت کمتر و سبک‌های هویتی کاراتری باشند این انتظار می‌رود که تعهد زناشویی و وفای به عهد به مراتب در آنها نیز بالاتر برود. لذا پیشنهاد می‌شود برنامه‌های آموزشی و درمانی جهت دستیابی افراد به سبک‌های هویتی موفق‌تر و تغییر نگاه آنها نسبت به صمیمیت صورت گیرد.

کلیدواژه‌ها: ترس از صمیمیت، سبک‌های هویتی، تعهد زناشویی.

تحلیل عاملی تأییدی مقیاس انتقاد و درگیری عاطفی خانواده

Confirmatory Factor Analyses of the Family Emotional Involvement and Criticism Scale

S. L. Bahri, Ms.C.

سیده لیلا بحری ✉

کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شیراز

N. A. Mohammadi, Ph.D.

دکتر نوراله محمدی

استادیار روان‌شناسی بالینی دانشگاه شیراز

دریافت مقاله: ۹۱/۱۲/۲۶

دریافت نسخه اصلاح‌شده: ۹۳/۴/۲۹

پذیرش مقاله: ۹۳/۵/۵

Abstract

The main objective of this study was to investigate the factorial structure of Family Emotional Involvement and Criticism Scale among Iranian students. A correlation method was employed with a sample of high school students. Participants were 204 high school students of Shiraz city, who were selected through multi-stage cluster sampling. They answered a 14-item version of the FEICS. Data was analyzed through confirmatory factor analysis and internal consistency was obtained using alpha Cronbach.

چکیده

هدف عمده این تحقیق، بررسی ساختار عاملی تأییدی و ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس انتقاد و درگیری عاطفی خانواده (FEICS) در دانش‌آموزان دبیرستانی شهر شیراز بود. بدین منظور ۲۰۴ نفر از دانش‌آموزان دبیرستانی شهر شیراز در سال تحصیلی ۱۳۹۰-۱۳۹۱ به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای تصادفی انتخاب شدند. به منظور بررسی روایی سازه مقیاس انتقاد و درگیری عاطفی خانواده، از روش تحلیل عاملی تأییدی (CFA) استفاده شد. معادله ساختاری مدل ۲ عاملی، بهترین برازندگی را با داده‌ها نشان داد.

✉Corresponding author:, Educational sciences and Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran.
Email: leilabahri64@yahoo.com

✉نویسنده مسئول: شیراز، دانشگاه شیراز، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی
پست الکترونیکی: leilabahri64@yahoo.com

The examination of the 2 factor model by confirmatory factor analysis showed the best fit with the data, and Cronbach alpha ranged from 0.60 to 0.65 for FEICS factors which is acceptable. The Family Emotional Involvement and Criticism Scale could be used as a valid and reliable instrument in Iranian psychological & psychosociological research.

Keywords: The Family Emotional Involvement and Criticism Scale, Collectivism Scale, Reliability, Validity.

همچنین ضریب پایایی عوامل مقیاس، برای خرده‌مقیاس انتقاد و درگیری عاطفی خانواده، به ترتیب ۰/۶۰ و ۰/۶۵ به دست آمد. جهت تعیین روایی هم‌زمان نیز از رابطه نمرات مؤلفه انتقاد و درگیری عاطفی خانواده با نمرات حاصل از پرسش‌نامه فهرست تجدید نظر شده نشانه‌های مرضی (فرم کوتاه) SCL.25R، استفاده شد که ضرایبی به ترتیب برابر ۰/۳۱ و ۰/۳۷- به دست آمد. هم‌خوانی شاخص‌های روان‌سنجی به دست آمده در این پژوهش، با نتایج سایر پژوهش‌ها، گویای مناسب بودن مقیاس انتقاد و درگیری عاطفی خانواده، به منظور استفاده در پژوهش‌ها در جامعه ایران است.

کلیدواژه‌ها: مقیاس انتقاد و درگیری عاطفی خانواده، ساختار عاملی تأییدی، روایی، پایایی.

اثربخشی آموزش مدیریت رفتاری والدین بر سلامت عمومی مادران کودکان بیش فعال

The Effectiveness of Parent Behavioral Management Training on General Health of Mothers with Hyperactivity Children

M. B. Kajbaf, Ph.D.

دکتر محمدباقر کجیاف

استاد دانشگاه اصفهان

A. R. Shirazi Tehrani, M.A.

علی رضا شیرازی تهرانی ✉

دانشجوی دکتری روانشناسی دانشگاه لرستان

F. Mirdrikvand, Ph.D.

دکتر فضل اله میر دریکوند

استادیار دانشگاه لرستان

M. Mazaheri, M.A.

مصطفی مظاهری

دانشجوی دکتری مشاوره دانشگاه بروجرد

دریافت مقاله: ۹۳/۳/۱۴

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۳/۱۱/۱۵

پذیرش مقاله: ۹۳/۱۱/۱۹

Abstract

The purpose of this study was to investigate the effectiveness of parent behavioral management training on general health of mothers with ADHD children. A quasi-experimental design with pre-test, post-test and follow-up with control group was applied.

This sample included 30 mothers of ADHD children who were selected through screening method with using CSI - 4 scale and psychiatrist clinical

چکیده

این پژوهش به بررسی اثربخشی آموزش مدیریت رفتاری والدین، بر سلامت عمومی مادران دارای کودکان بیش فعال می پردازد. نوع تحقیق، نیمه تجربی همراه با پیش آزمون، پس آزمون و مرحله پیگیری با گروه کنترل است. نمونه مورد پژوهش شامل ۳۰ نفر از مادران کودکان بیش فعال - نقص توجه می باشد که با استفاده از مقیاس غربالگری CSI-4 و مصاحبه بالینی روان پزشکی از بین پرونده های موجود، در هسته مشاوره اصفهان گزینش شدند.

✉Corresponding author: Esfahan, Tiran Payamnor university.

Email: psychopayam@yahoo.com

✉نویسنده مسئول: اصفهان، تیران، دانشگاه پیام نور

پست الکترونیکی: psychopayam@yahoo.com

interview among recorded files in Esfahan counseling center and subjects were randomly assigned to experimental and control groups, and filled measure of general health questionnaire. Mothers in the experimental group received nine 2-hour sessions of behavioral management training. Results of repeated measure analyzes showed that behavioral management training has been effective significantly in increasing general health of mothers.

Keywords: Hyperactivity Disorder, Parent Behavioral Management Training, General Health.

و به طور تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل قرار گرفتند. ابزار اندازه‌گیری در این پژوهش، پرسش‌نامه سلامت عمومی بود. مادران گروه آزمایش ۹ جلسه دو ساعته برنامه آموزش مدیریت رفتاری را دریافت نمودند. نتایج اندازه‌گیری‌های مکرر نشان داد که آموزش مدیریت رفتاری در ارتقاء سلامت عمومی مادران در سطح ($P < 0/05$) معنادار بوده است.

کلیدواژه‌ها: اختلال بیش‌فعالی، آموزش مدیریت رفتاری والدین، سلامت عمومی.

تأثیر احساس استیگما (داغ اجتماعی) در سلامت روان مادران کودکان با اختلالات طیف اتیسم

The Impact of Perceived Stigma on Mental Health of Mothers of Children with Autism Spectrum Disorders

S. Rezaei Dehnavi, Ph.D.

دکتر صدیقه رضایی دهنوی ✉

استادیار بخش روان‌شناسی و مشاوره دانشگاه پیام‌نور

Gh. Hemati Alamdarloo, Ph.D.

دکتر قربان همتی علمدارلو

استادیار بخش کودکان استثنایی دانشگاه شیراز

دریافت مقاله: ۹۳/۱۰/۱۵

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۳/۱۲/۱۶

پذیرش مقاله: ۹۳/۱۲/۲۴

Abstract

Having a child with autism spectrum disorders (ASD) is a burden and produces a huge stress for their parents. Perceived stigma and severity of diagnostic signs (autism quotient) are founded as main sources of stress that may explain increased problems in parent's mental health. The purpose of this study was to investigate the impacts of perceived stigma, child's autism quotient, and age on the mental health of mothers of children with ASD.

چکیده

مراقبت از کودک اتیسم طاقت‌فرسا است و استرس زیادی برای والدین ایجاد می‌کند. یکی از منابع مهم استرس که سهم قابل ملاحظه‌ای در پایین آوردن سلامت روان دارد، شدت علائم اتیسم (اتیسم بهر) و احساس استیگما است. هدف از تحقیق حاضر، بررسی تأثیر احساس استیگما، سن و اتیسم بهر کودک در سلامت روان مادران با کودکان دارای اختلالات طیف اتیسم (ASD) بود. ۹۴ تن از مادران کودکان اتیسمی که در مراکز آموزشی و توانبخشی ویژه کودکان اتیسم آموزش می‌دیدند، پرسش‌نامه‌های سلامت روانی عمومی (GHQ)،

✉Corresponding Author: Psychology and Counseling Department, Payame Noor University
Email: srezaeidehnavi@pnu.ac.ir

✉نویسنده مسئول: سازمان مرکزی دانشگاه پیام‌نور، بخش روان‌شناسی و مشاوره
پست الکترونیکی: srezaeidehnavi@pnu.ac.ir

As such, 94 mothers whose children had been educated in Special center for education and rehabilitation for autistic children in Isfahan and Shahrekord completed General Health Questionnaire (GHQ), Perceived Stigma Questionnaire developed by researchers, Gilliam Autism Rating Scale (GARS). Structural equation model was used to analyze the data by Amos Graphic-18. It was found that perceived stigma had direct significant effect, and child's autism quotient and age had indirect significant effect mediated by perceived stigma on mothers' mental health and this model explains 70% of variance of mother's mental health predicted by perceived stigma in mothers. According to the findings of this study, to promote mental health in mothers with autism children, educational programs are in need that will empower mothers of children with ASD against stigma.

Keywords: Perceived Stigma, Affiliate Stigma, Mothers, Children with Autism Spectrum Disorders.

احساس استیگما که توسط محققان تهیه و هنجاریابی شد و مقیاس درجه‌بندی اتیسم گیلیام (GARS) را پر کردند. مدل معادله ساختاری برای تحلیل داده‌ها استفاده شد. نتایج نشان داد که احساس استیگما تأثیر مستقیم و اتیسم بهر و سن کودک تأثیر غیرمستقیم به واسطه احساس استیگما بر سلامت روان مادران داشت. بر اساس این مدل ۷۰٪ تغییرات فردی در سلامت روان مادران را می‌توان بر اساس احساس استیگما پیش‌بینی کرد. طبق یافته‌های این تحقیق، به منظور بالا بردن سطح سلامت روان مادران کودکان اتیسم، برنامه‌های آموزشی برای قدرتمندسازی در برابر استیگما به شدت توصیه می‌شود.

کلیدواژه‌ها: احساس استیگما، استیگمای وابستگان، مادران، کودکان با اختلالات طیف اتیسم.